



دانشگاه پیام نور

مقدمه‌ای بر مکتب سلیمانی

(مجموعه مقالات پیرامون شهید سردار سلیمانی)

جمعی از نویسندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهید عزیز و بزرگوار، حاج قاسم سلیمانی، نمونه برجسته ای از تربیت شدگان مکتب عاشورا و از شاگردان مخلص و با وفای مکتب امام خمینی (ره) بود. وی، چهل سال برای انقلاب و اسلام عزیز جهاد کرد و نمونه بازر اشداء علی الکفار بود. محبت او به مسلمانان برگرفته از رحماء بینهم بود که از او کوه رحمتی ساخته بود و هزاران فرزند شهید شاهد عظمت شکوفا شده آن خود ساخته بودند. زندگی آن مرد عین کمال بود و از او مجاهدی سترگ و همیشه در صحنه به وجود آورده بود.

اگر من و ما ساعت‌ها درباره‌اش بگوئیم و بنویسیم، کم گفته و حقیقت وجودی‌اش را نشناخته‌ایم. مقدمه‌ای بر مکتب شهید سلیمانی سرآغازی است بر عمق بخشی به سلیمانی‌شناسی ما، که جا دارد به علت تلاش و زحمات نویسندگان ارجمند و کوشش بسیج اساتید دانشگاه پیام‌نور مورد توجه و تقدیر قرار گیرد. برخود فرض می‌دانم که از تک تک عاشقان سردار شهید در این عرصه و از تمامی دلسوختگان در دانشگاه پیام‌نور تشکر نمایم. به یقین این تلاش خالصانه از دید الهی مخفی نمی‌ماند و خداوند بزرگ به تمامی آنان اجر مضاعف عنایت می‌کند. امید است این کتاب زیبا آغازی برای یک حرکت زیبا و ماندگار باشد.

علی شیرازی

نماینده ولی فقیه در سپاه قدس

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
نه	پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی شهادت سردار بزرگ اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی
یازده	فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری پیرامون ابعادی از شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی
هفده	گذری به زندگانی به روایت حاج قاسم سلیمانی
۱	سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی؛ مردی که باید از نو شناخت دکتر فاطمه معین‌الدینی
۱۵	اخلاق فرماندهی در سیره علوی؛ با ترسیم شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی دکتر حسین یعقوبی
۲۹	تبیین عقلی تقدم شهید بودن بر شهید شدن دکتر مهدی خادمی
۳۹	روان‌شناسی شخصیت قاسم سلیمانی دکتر سعید عبدالملکی
۵۵	نگاهی گفتمانی به جریان مقاومت اسلامی دکتر رضا یازرلو
۸۱	از محور شرارت تا محور مقاومت دکتر مریم غیاثیان

- ۹۷ جامعه‌شناسی جریان‌های مقاومت و رهبری آن
دکتر محسن علائی بوسجین، ریاب اخوان
- ۱۱۹ بررسی اجمالی ابعاد حقوقی ترور شهید سردار قاسم سلیمانی
دکتر احسان پورمحمود
- ۱۲۵ الگوی ارتباطی سردار قاسم سلیمانی از ناشناختگی آگاهانه تا شهرت جهانی
دکتر علیرضا کریمیان
- ۱۵۳ بازتاب مکتب امام خمینی در شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی
دکتر علیرضا پارسا، حمیدرضا بیات
- ۱۶۹ بازتاب شخصیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در قطعه سروده‌های فارسی و عربی
دکتر فاروق نعمتی
- ۱۸۵ بررسی نقش آفرینی سردار سلیمانی در کاهش وزن ژئوپلیتیکی تروریسم در غرب آسیا
دکتر فریبرز احمدی دهکاء
- ۱۹۹ شهید حاج قاسم سلیمانی به مثابه انسان الگوی سوژگی امت اسلامی
محمدرضا زهرای، دکتر امیر ملکی
- ۲۱۳ سلیمانی، معمار محور مقاومت و نقطه ثقل آن در منطقه
خلیل الکوثرانی، مترجم: دکتر محمد چمکوری
- ۲۱۷ تبیین مکتب مدیریتی سردار سلیمانی
دکتر محمدتقی امینی، دکتر حسن مرادی، دکتر رضا نجاری
- ۲۷۵ سیاست سلطه آمریکا در چالش با گفتمان استقلال‌گرایی و مقاومت در انقلاب اسلامی ایران
دکتر علیرضا علی صوفی، دکتر هوشنگ خسرویگی
- ۲۹۳ طراحی و ارائه الگوی مدیریتی سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی
محسن کاردان‌پور، دکتر علی کرباسی، دکتر مهدی محمدی
- ۳۱۱ متن وصیت‌نامه الهی - سیاسی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

پیشگفتار

بسم الله القاصم الجبارين
أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (الحج ۳۹)

او نمونه برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود. با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند. (مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

شجره طیبه شهادت بار دیگر در پهن دشت جهان بالیدن گرفت و ثمره خود را که نویدبخش ظهور منجی عالم مهدی موعود (عج) است، به جامعه بشری عرضه داشت. در این هنگامه از خیل سرداران سرفراز، یکی دیگر آسمانی شد تا ملائک بار دیگر معنای «انی اعلم ما لاتعلمون»، را شهودی واقعی کنند و حجت براهل آسمان و زمین تمام شود. شهادت سرباز ولایت مدار و سلیمان سپاهیان پاسدار انقلاب اسلامی اسباب هم آوایی و هم افزایی را در صفوف ملت های آزاده و ملت رشید ایران افزود و و برگ زرین دیگری در اتحاد هرچه بیشتر پیروان مکتب خمینی را رقم زد. شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی نمونه برجسته تربیت شدگان اسلام ناب محمدی (ص) و مکتب امام خمینی (ره) بود که پس از فعالیت های گسترده و خستگی ناپذیر در زمین گیر کردن استکبار جهانی و اذنباش؛ در نهایت به دست شقی ترین رژیم استکباری به آرزوی دیرین خود یعنی شهادت واصل و در قهقهه مستانه یاران شهیدش «عندربهم یرزقون» شد.

جامعه دانشگاهیان دانشگاه پیام‌نور ضمن محکومیت این ترور بزدلانه، بار دیگر فریاد بر می‌آورد که ما را از «مرگ نترسانید»، مرگ برای ما «احلی من العسل» است و اعلام می‌کنیم تا همه جهانیان و اهریمن‌صفتان بدانند با رفتن حاج قاسم به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکاران است، انتقامی که سردمداران آمریکا و اسرائیل را به پشیمانی ابدی دچار خواهد کرد و انسان‌های آزاده را در رسیدن به آرمان‌های الهی و آزادی‌خواهانه مصمم‌تر و مطمئن‌تر خواهد کرد.

تجلی عهد استادان و کارکنان دانشگاه با آن سردار شهید، پرورش نسلی خداپاور، عالم، وارسته، سلحشور، میهن‌دوست و با شرافت است تا به یاری پروردگار حکیم، در جغرافیای پرافتخار جهان اسلام، جوانانی برومند پرچم آن سردار بزرگ را همواره برافراشته نگاه داشته و زمینه‌ساز تحقق حکومت عدل علوی شوند. بنابراین برای پاسداشت راه آن شهید بزرگوار بسیج اساتید دانشگاه پیام‌نور بر آن شد تا به این مناسبت مجموعه‌ای از مقالات را تهیه و به‌عنوان مقدمه‌ای بر مکتب شهید سلیمانی به جامعه ارائه دهد. ضمن تشکر از همه اولیای محترم دانشگاه به‌خصوص معاونت محترم پژوهشی و معانت محترم فرهنگی و مدیرکل و کارکنان محترم دفتر تدوین و چاپ دانشگاه و همچنین اساتیدی که با عشق و علاقه به این شهید والامقام تلاش کردند قطره‌ای از سر چشمه‌های وجود شهید حاج قاسم سلیمانی را به رشته تحریر درآوردند، اذعان داریم که این مجموعه ناتوان از ترسیم همه جنبه‌ها و واقعیت‌های وجودی آن بزرگوار بوده و فقط به‌عنوان مقدمه‌ای برای ورود به معرفی هرچه بیشتر ایشان و مکتبی که چنین شخصیتی را پرورده است و مطمئناً راه شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی تداوم خواهد یافت و مجاهدان صادق و عالمان عامل در تبیین راه و مکتب آن شهید بزرگوار تلاشی دوچندان خواهند کرد. امید است این مختصر مورد قبول حق تعالی و رضایت ولی‌الله‌الاعظم (عج) واقع شود.

بسیج اساتید دانشگاه پیام‌نور

علیرضا پارسا

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی شهادت سردار بزرگ اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی



بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران!

سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد. دیشب ارواح طویه شهیدان، روح مطهر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم، و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض می‌کنم. او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود. با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند. همه دوستان - و نیز همه دشمنان - بدانند خط جهاد و مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارزه و دست‌یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد. ملت ایران یاد و نام شهید عالی‌مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او به‌ویژه مجاهد بزرگ جهان اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می‌کنم و به همسر گرامی و فرزندان عزیز و دیگر بستگان ایشان تبریک و تسلیت می‌گویم.

سیدعلی خامنه‌ای (۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸)

فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری پیرامون ابعادی از شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

از برکات عظیم شهادت و معنویت حاج قاسم سلیمانی قیامتی بود که در شهرهای ایران و عراق در مراسم‌های تشییع به پا شد. این بدرقه‌ها، زنده بودن انقلاب اسلامی را به رخ جهانیان کشید و من در مقابل آنچه روح بزرگ آن شهید عزیز برای ایران و منطقه به ارمغان آورد، سر تعظیم فرود می‌آورم برخی شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند و دل و جگر کار را ندارند. حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر، با شجاعت به دل خطر می‌رفت اما در عین حال با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و نه تنها در میدان نظامی بلکه در میدان سیاست هم شجاعت و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع کننده، منطقی و تأثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصه سیاسی گفته‌ام. او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می‌کرد و اهل تظاهر و ریا نبود که ما نیز باید برای دستیابی به این ویژگی بسیار مهم یعنی اخلاص، تلاش و تمرین کنیم. در جلسه‌های رسمی با مسئولان مختلف، او به گونه‌ای در حاشیه و دور از چشم می‌نشست که باید می‌گشتید تا او را پیدا می‌کردید و می‌دیدید.

او فرماندهی جنگاور و مسلط بر عرصه نظامی بود اما در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد تا به هیچ کس ظلم و تعدی نشود، آن هم در حالی که خیلی‌ها در عرصه نظامی اهل احتیاط و رعایت حدود شرعی نیستند. ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود اما به شدت انقلابی و پایمند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابیگری، خط قرمز جدی او بود. حاج قاسم در واقع ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند که این واقعیت‌ها را کم‌رنگ کنند. دشمنان حاج قاسم، این واقعیت را به خوبی می‌دانند. حاج قاسم در مقابل همه نقشه‌هایی که با پول، توانایی و تأثیرگذاری سیاسی و تشکیلات وسیع آمریکایی‌ها شکل می‌گرفت، قد علم کرد و آن‌ها را خنثی و بی‌نتیجه کرد. آمریکایی‌ها سعی داشتند قضیه فلسطین را به فراموشی بسپارند و کاری کنند که فلسطینی‌ها در حالت ضعف قرار گیرند تا جرأت مبارزه نداشته باشند اما این مرد بزرگ، دست فلسطینی‌ها را پُر کرد و به آن‌ها جرأت و توان مبارزه داد.

حاج قاسم کاری کرد که منطقه کوچکی مانند غزه در مقابل صهیونیست‌های پُرمدعا به گونه‌ای ایستاد که رژیم صهیونیستی ۴۸ ساعته مجبور به درخواست آتش‌بس شد. آمریکایی‌ها می‌خواستند عراق یا شبیه رژیم طاغوت باشد یا شبیه برخی رژیم‌ها مثل سعودی که به تعبیر آن‌ها نقش گاو شیرده را دارند، اما حاج قاسم به کمک عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی و مرجعیت در عراق رفت و در مقابل این نقشه ایستاد و آن را خنثی کرد. در لبنان نیز آمریکایی‌ها می‌خواستند لبنان را از مهم‌ترین عامل استقلالش یعنی حزب‌الله محروم کنند تا صهیونیست‌ها، لبنان بی‌دفاع را همچون برخی مقاطع به‌راحتی اشغال کنند اما حزب‌الله روزبه‌روز قوی‌تر شد به گونه‌ای که امروز، هم‌دست لبنان است و هم چشم لبنان که نقش شهید شجاع و با تدبیر ما در این مسئله ممتاز و برجسته‌بوده است. شهید سلیمانی به همراه رفقای عزیزش همچون شهید ابومهدی المهندس آن مرد مؤمن و شجاع و برخوردار از چهره نورانی و خدایی، توانستند کارهای بزرگی را به ثمر برسانند. هر زمانی که این شهید عزیز گزارشی ارائه می‌کرد من قلباً و زباناً او را تحسین می‌کردم اما اکنون در برابر برکات شهادت او و آنچه این شهادت برای کشور و منطقه ایجاد کرد، سر تعظیم فرود می‌آورم. آن بدرقه‌های ایرانی را و همچنین آن بدرقه‌های عراقی را در کاظمین، بغداد، نجف و کربلا و آن تشیعی را که نسبت به این پیکر قطعه قطعه شد، دیدید. از روح مطهر آن شهید بزرگوار از اعماق دل تشکر می‌کنم. عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب اسلامی در ایران تمام شده است و البته عده‌ای هم سعی می‌کنند این اتفاق بیفتد، اما شهادت حاج قاسم نشان داد که انقلاب زنده است و همه دیدند که چه قیامتی در تهران و دیگر شهرها به پا شد. ملت ایران با حضور بی‌نظیر خود در مراسم تشییع، به دهان دشمنان و آمریکایی‌های بی‌انصاف، دروغ‌گو و هجوگو زد. این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد، باید محفوظ بماند و جهت‌گیری مردم، انقلابی و درجهت تکریم مردان انقلاب و شهیدان و عناصر یادآور ارزش‌های انقلاب باشد.

فرازهایی از بیانات مقام رهبری پیرامون ابعادی از شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی (۹۸/۱۰/۲۷)

ملت، باطن خود یعنی استقامت در مقابل شیاطین را در این حضور نشان داد و تنها راه ادامه این مسیر عزت آفرین، قوی تر شدن ایران در همه زمینه‌ها است. یوم‌الله یعنی روز مشاهده دست قدرت خداوند در حوادث. بنابراین آن هنگامی که ده‌ها میلیون در ایران و صدها هزار نفر در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابان‌ها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه جهان را شکل دادند، مصداق ایام‌الله است، چراکه این عظمت هیچ عاملی جز دست قدرت خدا ندارد. اینکه ملتی با چنین قدرت و توان روحی به یک قدرت متکبر و زورگوی عالم سیلی بزنند، نشان‌دهنده دست قدرت الهی است؛ پس این روز بزرگ نیز جزو ایام‌الله است.

جامعه ایرانی جامعه‌ای صبار و شکور است که در طول سال‌های متمادی با استقامتی مثال‌زدنی همواره شکرگزار الطاف الهی بوده است. این تشییع عظیم و این حرکت الهی ملت، نشان‌دهنده باطن و معنویات تحسین‌برانگیز مردم و نشانه این واقعیت است که اراده الهی بر پیروزی ملت ایران تعلق گرفته است.



در این حادثه، امپراتوری خبری صهیونیسم و مسئولان تروریست رژیم آمریکا همه تلاششان را کردند که سردار عزیز و بزرگ ما را به تروریسم متهم کنند اما خداوند متعال چنان صحنه را تغییر داد که نه تنها در ایران بلکه در کشورهای مختلف به روح آن بزرگوار درود فرستادند و پرچم آمریکا و صهیونیست‌ها را آتش زدند.

علاوه بر تشییع آن مجاهدان، اصل شهادت آنان نیز از آیات قدرت الهی است، چرا که ترور سردار سلیمانی یعنی سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم در کل منطقه، موجب رسوایی دولت بی‌آبروی آمریکا شد. در ترور این شهید شجاع، آمریکایی‌ها در میدان جنگ با او روبه‌رو نشدند بلکه دزدانه و بزدلانه این جنایت را مرتکب شدند که این موجب روسیاهی بیشتر آن‌ها شد.

البته آمریکایی‌ها در عراق و افغانستان جنایات و کشتار زیادی کرده‌اند اما این بار رئیس‌جمهور آمریکا به زبان خودش اعتراف کرد «ما تروریست هستیم»، که رسوایی‌ای بالاتر از این وجود ندارد.

این واکنش قوی، یک ضربه مؤثر نظامی بود اما مهم‌تر از این ضربه نظامی، ضربه حیثیتی بود که به هیبت ابرقدرتی آمریکا وارد شد. این ضربه مستحکم حیثیتی با هیچ چیزی جبران نمی‌شود و افزایش تحریم‌ها که این روزها آمریکایی‌ها از آن حرف می‌زنند، آبروی ازدست‌رفته آن‌ها را بر نمی‌گرداند. هرجا و در هرکاری اخلاص باشد، خداوند به آن کار برکت و رشد و نمو می‌دهد، برکاتش را به همه می‌رساند و ماندگار می‌کند.

سپاه قدس یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و نجات‌بخش است و با این نگاه است که تعظیم و تکریم مردم در تشییع باشکوه فرمانده سپاه قدس، معنای حقیقی می‌یابد. البته همه نیروهای مسلح، سپاه، ارتش و بسیج زیربنای فکری متکی بر اهداف الهی دارند؛ ضمن اینکه سپاه قدس در جایگاه رزمندگان بدون مرز، هرجا نیاز باشد برای کمک به ملت‌های منطقه و حفظ کرامت مستضعفان حضور می‌یابد و با همه وجود و توان، خود را بلاگردان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کند. بخش مهمی از امنیت ایران محصول تلاش جوانان مؤمنی است که تحت فرماندهی حاج قاسم عزیز سال‌ها به جهاد و فداکاری مشغول بودند. این جوانان جان بر کف و شجاع البته به کمک فلسطین و دیگر مناطق نیز می‌روند اما درواقع برای میهن عزیز ایرانیان، امنیت ایجاد می‌کنند.

جوانان جان بر کف ما در کمک به عراق و سوریه، درواقع این توطئه را خنثی کردند. ایشان با اشاره به کسانی که یک روز شعار «نه غزه نه لبنان» سر دادند، گفتند: این افراد هرگز جانشان را فدای ایران نکرده‌اند و حتی از راحتی و منافع خود در راه حفظ امنیت کشور نگذشتند بلکه این سردار سلیمانی و یارانش بودند که جانشان را کف دست گرفتند و به میدان دفاع از ایران شتافتند.

ده‌ها میلیون ایرانی، باطن و معنویات خود را در این حادثه عظیم نشان دادند و ثابت کردند ملت از هر حزب، جناح و مجموعه و از هر قوم و منطقه جغرافیایی، با وحدتی مثال‌زدنی، طرف‌دار «انقلاب، حاکمیت اسلامی، ایستادگی در مقابل ظلم و نه گفتن به همه مطامع دولت‌های استکباری» هستند. ملت ایران بار دیگر در ابعادی بی‌نظیر نشان داد شجاعانه از خط مجاهدت دفاع می‌کند، اهل تسلیم نیست و به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد و کسانی که سعی می‌کنند تصویر دیگری از این ملت در داخل و خارج تبلیغ و ترسیم کنند، با صدق و صفا با ملت رفتار نمی‌کنند. آیا آن تعدادی که به عکس سردار مهربان و پرافتخار ملت اهانت کردند مردم ایرانند، اما این جمعیت بی‌شمار و عظیم که در خیابان‌ها به تعظیم و ارادت حاج‌قاسم پرداختند مردم ایران نیستند؟

آمریکایی‌ها هرگز کنار ملت ایران نبوده‌اند و به‌صراحت دروغ می‌گویند اما اگر باشند هم، برای فروکردن خنجر زهرآلود خود به سینه ملت است؛ البته تا به حال نتوانسته‌اند و بعد از این هم هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. این فریاد انتقام که در سراسر ایران به گوش می‌رسد، درواقع سوخت حقیقی موشک‌هایی بود که پایگاه آمریکا را زیرورو کرد. یوم‌الله تشیع و یوم‌الله درهم کوبیده شدن پایگاه آمریکایی‌ها از یاد نمی‌رود و به فضل الهی روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود.

سردار شهید سلیمانی با حضور شجاعانه در صفوف مقدم و خطرناک، یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریستی مانند داعش و امثال آن در سوریه و عراق بود اما آمریکایی‌ها بدون اینکه جرأت کنند با او در نبرد روبه‌رو شوند، بزدلانه به او که به دعوت دولت عراق در فرودگاه عراق بود حمله کردند و خون مطهر او و همراهانش را بر زمین ریختند تا برای چندمین بار خون فرزندان ایران و عراق در راه خدا بر زمین ریخته و با یکدیگر مخلوط شود.

تنبیه اصلی آنها اخراج از منطقه است. دشمنان، تلاش‌های فراوانی کردند با خرج کردن پول‌های فراوان، به کارگرفتن انسان‌های بی‌مسئولیت و تبلیغات شیطن‌آمیز، دو ملت ایران و عراق را به هم بدبین کنند اما این شهادت بزرگ همه تلاش‌های شیطنی و وسوسه‌های اهریمنی آنها را باطل کرد.

آنها هرگاه به واسطه نهضت‌های مردمی ناچار به خروج از کشوری شدند، تاحد توان دست از توطئه و نفوذ اطلاعاتی و سلطه سیاسی و اقتصادی برنداشتند و غده بدخیم رژیم صهیونیستی را به عنوان تهدیدی دائم برای کشورهای غرب آسیا در قلب این منطقه جاسازی کردند. آنها برای تأمین هدف پلید خود در عراق به دنبال ایجاد فتنه، جنگ داخلی و سرانجام تجزیه عراق و حذف نیروهای مؤمن، مبارز، مجاهد و میهن‌دوست هستند. آنها که خود را حامی دموکراسی وانمود می‌کردند، تعارف را کنار گذاشته و می‌گویند ما برای ماندن در عراق آمده‌ایم و بیرون نمی‌رویم.

گذری به زندگانی به روایت حاج قاسم سلیمانی

من قاسم سلیمانی فرمانده سپاه هفتم صاحب الزمان (عج) کرمان هستم. در سال ۱۳۳۵ در روستای «قنات ملک» از توابع کرمان به دنیا آمدم. دیپلم هستم و دارای همسر و دو فرزند، یکی پسر و یکی دختر، می‌باشم.

قبل از انقلاب در «سازمان آب» کرمان به استخدام درآمدم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در اول خرداد سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم. با شروع جنگ و حمله عراق به فرودگاه‌های کشور، مدتی از هواپیماهای مستقر در فرودگاه کرمان محافظت می‌کردم. دو یا سه ماه پس از شروع جنگ در قالب اولین نیروهای اعزامی از کرمان، که حدود ۳۰۰ نفر بودند، عازم جبهه‌های سوسنگرد شدیم و به عنوان فرمانده دسته مشغول به کار شدم. در روزهای اول ورود به جبهه، دشمن را قادر به انجام هرکاری می‌دانستم، اما در اولین حمله‌ای که انجام دادیم، موفق شدیم نیروهای دشمن را از کنار جاده سوسنگرد تا حمیدیه به عقب برانیم و تلفاتی نیز بر آن‌ها وارد کنیم که این امر باعث شد تصور غلطی که از دشمن در ذهن داشتیم از بین برود. یادم می‌آید که پس از این حمله، شب‌ها وارد مواضع عراقی‌ها می‌شدیم. دوستی داشتیم به نام «حمید چریک» که پس از آن به شهادت رسید. او حتی برخی مواقع با موتور سیکلت خود را به خاکریزهای عراقی‌ها می‌رساند. در آن موقع هیچ کس انتظار نداشت جنگ در همان سال به پایان برسد. اگر کسی هم می‌گفت جنگ ممکن است مثلاً شش سال طول بکشد، باور نمی‌کردیم. ولی در طول جنگ انتظار هشت سال را برای ادامه جنگ داشتیم. من شوق و علاقه زیادی به طرح‌ها و مسائل نظامی داشتیم و علاقه‌مند حضور در جبهه بودم و درست به دلیل همین علاقه بود که با یک مأموریت ۱۵ روزه وارد جبهه شدم و دیگر تا آخر جنگ بازنگشتم.

بهترین عملیاتی که در آن شرکت کردم «فتح‌المبین» بود که آن زمان برای اولین بار به ما مأموریت داده شد که تیپ تشکیل بدهیم و من که مجروح هم بودم، معاونت فرماندهی محور در جبهه «شوش» و «دشت عباس» را به عهده گرفتم. این عملیات از نظر بازدهی برای من بسیار شیرین و خاطره‌انگیز است، زیرا با اینکه از نظر سلاح بسیار درمضیقه بودیم، اما به همت رزمندگان اسلام توانستیم حدود ۳۰۰۰ عراقی را به اسارت درآوریم. عملیات «والفجر ۸» نیز گذشته از پیروزی که به دنبال داشت، از لحاظ آماده‌سازی

و سختی‌هایی که بچه‌ها متحمل شدند، بسیار لذت‌بخش بود. در این عملیات نقش اساسی به لشکر ثارالله کرمان داده شده بود. سخت‌ترین لحظه‌ها برای کسانی که مسئولیتی در جنگ داشتند، لحظه‌ای بود که هم زمان یا دوستان آنان به شهادت می‌رسیدند و این امر وقتی شدت بیشتری می‌یافت که آن شهید سعید به عنوان پایه و ستونی برای جنگ مطرح بود. هنگامی که «حسن باقری» و «مجید بقایی» به شهادت رسیدند، احساس کردیم که نقصی در جنگ به وجود آمده است. شهید باقری، «بهشتی» جبهه بود و کسانی امثال او، اهرم‌هایی در دست فرماندهان جنگ برای حل مشکلات و رفع فشارهای دشمن بودند. بعضی مواقع شهادت یکی از فرماندهان به اندازه شهادت یک گردان در من اثر می‌گذاشت. شهید «حاج یونس زنگی‌آبادی» از این گونه افراد بود که امید لشکر ثارالله محسوب می‌شد. او همیشه مشتاق سخت‌ترین کارها در جبهه بود.

یکی از خاطره‌هایی که از عملیات «والفجر ۸» دارم اینکه وقتی هنوز انتهای «راس‌البیشه» سقوط نکرده بود، مطلع شدیم که نیروهای عراقی از عقب، کنار اسکله «قشله» پاتک کرده‌اند. بعد ما متوجه شدیم که یک تیپ عراقی در آنجا در محاصره قرار دارد که توانستیم همه آن‌ها را به اسارت درآوریم. در روز دوم عملیات «کربای ۱» در منطقه «مهران»، قرار بود از «امام‌زاده حسن» به طرف «قلاویزان» حرکت کرده و مهران را آزاد کنیم. لشکر ثارالله و حضرت رسول (ص) در کنار یکدیگر با نیروهای عراقی می‌جنگیدند. به اتفاق معاون لشکر حضرت رسول (ص) برای الحاق نیروها، به طرف خط مقدم حرکت کردیم. کمابیش هوا روشن شده بود و گرد و خاک، منطقه عملیات را پوشانده بود. همان‌طور که با موتور به جلو می‌رفتیم، جمعیت زیادی را دیدیم که از مقابل به طرف ما می‌آمدند، ابتدا تصور کردیم نیروهای خودمان هستند، اما مقداری که جلو رفتیم، فهمیدیم عراقی هستند. دیگر به فاصله چندمتری آن‌ها رسیده بودیم، به طوری که نمی‌توانستیم با موتور دور بزنیم. لذا بلافاصله موتور را رها کردیم و به طرف خاکریزهای خودی شروع به دویدن کردیم و خود را به مواضع نیروهایمان رساندیم. البته پس از آن همه آن‌ها را به اسارت درآوردیم.

سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی؛ مردی که باید از نو شناخت

(نگاهی به بُعد عاشقانه - عارفانه زندگی و زبان ادبیانه سردار سلیمانی)

دکتر فاطمه معین‌الدینی^۱

در نخستین ساعات بامداد روز جمعه سیزدهم دی‌ماه، خبری هولناک و تکان‌دهنده با سرعت و اثری صاعقه‌وار جهان را درنوردید. حاج قاسم سلیمانی، سردار پرآوازه ایرانی، آنکه نامش با امنیت و آرامش سرزمین‌های شرق و غرب عالم، از بین‌النهرین تا شام، گره‌خورده بود، بر اثر حمله تروریستی ددمنشانه دشمنان بشریت، به شهادت رسید و به آنچه همیشه در آرزوی آن بود، نائل آمد.

دنیا در بهت و حیرت و ناباوری فرورفت؛ در کوتاه زمانی باورنکردنی این خبر تیترو اول تمامی خبرگزاری‌ها، شبکه‌های گسترده رادیو و تلویزیون‌های ملی، خصوصی، ماهواره‌ای و بین‌المللی جهان شد. کمابیش تمامی رسانه‌های دنیا برنامه‌های عادی خود را قطع، و به مخابره این خبر و تفسیر پیامدهای آن پرداختند.

آنچه در این میان مشترک بود، تحسین و احترامی بود که دوستان و دشمنان، همگی، برای شخصیت ممتاز و بی‌نظیر سردار سرافراز سپاه اسلام و ایران، ابراز می‌کردند. دوستان در ماتم و اندوه این مصیبت دهشتناک به عزانشته و دشمنان از دشمنی شایسته احترام سخن می‌گفتند:

باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا: «او دشمن من است؛ ولی من برای او احترام ویژه‌ای قائل هستم.» (همشهری آن‌لاین، ۱۳۹۶).

جان کری، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در دیدار با ظریف: «برای یک‌بار هم که شده، مایلم قاسم سلیمانی را از نزدیک ببینم.» (همان).

جان مک‌وایر، افسر سیا در عراق: «سلیمانی یکی از قوی‌ترین عوامل اجرایی در خاورمیانه امروز است. او قوی‌ترین مأمور مخفی در خاورمیانه است و هیچ‌کس او را نمی‌شناسد.» (همان).

ژنرال پترائوس، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا: «قاسم سلیمانی فردی بسیار توانمند، مدبر و دشمنی شایسته است؛ وی بازی خود را به‌خوبی انجام می‌دهد؛ اما

این بازی طولانی است. پس اجازه دهید بینیم حوادث چگونه به پیش می‌رود.» (همشهری آن‌لاین، ۱۳۹۶)

مک کریستال، ژنرال آمریکایی: «قاسم سلیمانی جزو کاریزماتیک‌ترین رهبران نظامی جهان است. او کارهایش را با اثربخشی فوق‌العاده انجام می‌دهد. قدرت سیاسی که قاسم سلیمانی دارد، به او اجازه می‌دهد که کارهای بسیاری انجام دهد.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۹) نشریه نیویورک تایمز: «دشمنی که هم مورد تنفر و هم مورد تحسین است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹)

مجله آمریکایی آتلانتیک: «ژنرال سلیمانی تجربه‌های گسترده‌ای در میدان‌های جنگ به دست آورده است. وی برای متحدان خود بسیار مورد تحسین، و برای دشمنان مورد احترام است.» (جهان امروز، ۱۳۹۸).

نشریه نیویورکر: «ژنرال سلیمانی یک استراتژیست فوق‌العاده است. او خیلی باهوش‌تر از تصوّر هر آدمی است.» (همان).

نشریه لوموند فرانسه: «او قوی‌ترین مرد خاورمیانه و چه‌گوارای ایران است.» (همان).

و ده‌ها مورد دیگر.

نکته مشترک بعدی گمانه‌زنی‌ها و نگرانی‌ها از عواقب و عوارض این جنایت بی‌رحمانه بود که دل‌های همگان را سرشار از اضطراب می‌کرد. بیم و ترس از آینده‌ای مبهم، نه تنها در منطقه، بلکه در اقصا نقاط جهان.

آیا با رفتن سردار سلیمانی، آرامش و امنیتی که ره‌آورد صلابت حضور و نام او بود، نیز از دست خواهد رفت؟

جمعیتی حیرت‌انگیز، سوگوارانه و عاشقانه پیکر او و سایر شهدای همراهش را در شهرهای متعدد عراق و ایران بدرقه کردند؛ جمعیتی بی‌نظیر که شمارشان به ده‌ها میلیون نفر می‌رسید، مردمی که ساعت‌های متمادی پیش و پس از مراسم، در میداين و خیابان‌ها جمع می‌شدند تا علاقه و عشق و اندوه عمیق خود را به تصویر بکشند. خیابان‌های ایران و عراق شاید هرگز چنین غوغایی به خود ندیده بودند، غوغایی از خشم و درد و حیرت و ماتم. زنان، مردان، کودکان و کهنسالان، مانند رودخانه‌هایی خروشان جاری می‌شدند و دریاوار پیکرهای مطهر شهدا را در آغوش خسته و دردمند خود

به سمت آرامگاه ابدی، همراهی می کردند. اشک ها و ناله ها، نشانی از عمق دوستی و محبت آن ها بود، و نیز چهره های مصمم و سرشار از خشمشان، نشانی از نفرت و کینه به عاملان این جنایت بی سابقه؛ گویی همه این جمعیت تبدیل به یک نفر شده بود که فریاد می زد: «من قاسم سلیمانی ام.»

و چه کلمه مناسبی است این «آرام گاه» برای سلیمانی عزیز، زیرا پس از چهل سال، سرانجام رنگ آرامش به جان و جسم خسته خود دید.

بدون شک هیچ نیروی تبلیغ و تشویق و یا ارعاب و تهدیدی نمی توانست چنین حماسه ای خلق کند. هر انسان منصفی گواهی می دهد که تنها خالق صحنه هایی این چنین باشکوه، عشق و محبت می تواند باشد و بس.

اما سردار سلیمانی که بود؟ ویژگی ممتاز او که همواره خود را سربازی ساده و رزمنده ای عادی می دانست، در کدام نکته بود که طوفان شهادتش این گونه جهان را زیرو و رو کرد؟

او هرگز فرمانده کل هیچ سپاه و ارتشی نبود؛ در درجه رسمی نظامی، حاج قاسم، با برخی دیگر از فرماندهان ارتشی و سپاهی هم تراز بود؛ کمتر در مجامع عمومی دیده می شد؛ از قرار گرفتن در برابر دوربین رسانه ها پرهیز می کرد؛ همواره مانع از چاپ و نصب عکس هایش بود؛ به ندرت زیر بار مصاحبه و گفتگوهای رادیویی و تلویزیونی می رفت؛ چون سایه ای همه جا بود و هیچ جا نبود؛ چنان که «دکستر فیلکینز»، نویسنده مجله آمریکایی نیویورکر، لقب «فرمانده سایه ها» را برای اولین بار به وی داد و در اواسط مارس ۲۰۱۹ شبکه بی بی سی دو مستند یک ساعته تحت عنوان «فرمانده سایه ها: مغز متفکر نظامی ایران» پخش کرد. (جهان امروز، ۱۳۹۸). نامش اقتدار، صلابت، آرامش و امنیت را تداعی می کرد؛ لبخند مهربان و چهره نجیبش دل های دوستان را قرار می بخشید و نگاه نافذ و پرجذبه اش خواب دشمنان را آشفته می کرد؛ بی شک مصداق بارز آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹) بود. او بی تردید نمونه ای کوچک از اسوه بی نظیر شهامت و دلاوری، وفاداری و غیرت، ادب و مرحمت؛ حضرت ابوالفضل العباس (ع) به شمار می آمد. روح بلندش بزرگ تر و برتر از این دنیا و کائنات آن بود و در آن نمی گنجید؛ وجود و جسمش وقف مبارزه بود و جهاد؛ او بازمانده شجره طیبه شهادت مخلص و بی تکرار هشت سال دفاع مقدس ایران بود؛ هشت سال پرشکوه و بی نظیر؛ هشت سال به بلندای یک

تاریخ بی‌انتهای هشت‌سال حماسه و ایثار و عشق و عرفان، و این‌ها شعار نبود؛ که اگر بود، پذیرش مردمی نمی‌یافت؛ این‌ها شور و شعور بود.

سردار سلیمانی عاشق بی‌قرار پیوستن به یاران شهیدش بود، او می‌گفت:

«برای شهید شدن باید شهید بود.»

و این‌گونه ما را به مقصود خود از این کلام هدایت کرد: «اگر کسی شهید بود، شهید می‌شود و اگر از کسی بوی شهید استشمام نکردید، ولو آنکه کشته شود، شهید نیست. شهید کسی است که وقتی او را می‌بینید، سخن او را می‌شنوید و با او رفاقت و مجالست می‌کنید، بوی شهادت را از او استشمام کنید. اگر کسی را دیدید که بوی شهید از کلام او، از رفتار او و از اخلاق او استشمام شد، بدانید او شهید خواهد شد.» (سلیمانی، ۱۳۹۵).

و خود در عمل خصوصیت «شهیدبودن» را حفظ کرد، به دنیا آلوده‌نشد، از آن پرهیز کرد و در آغوش حقیقت و پارسایی آرام گرفت. به‌راستی هم‌نوا با مولایش و از زبان مولایش، امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) دنیا را خطاب کرد:

«یا دنیا! یا دنیا! إِلَیْکَ عَنّی؛ اَبی تَعَرَّضْتَ؟ لَا حَانَ حَیْنِکَ؛ هَیْهَات! غُرّی غَیْرِی، لَا حَاجَةَ لِی فِیکَ، قَدْ طَلَقْتُکَ ثَلَاثًا، لَا رَجْعَةَ فِیْهَا! فَعَیْشُکَ قَصِیْرٌ وَ خَطَرُکَ یَسِیْرٌ، وَ أَمَلُکَ حَقِیْرٌ! آهٍ مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَ طَوْلِ الطَّرِیقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِیمِ المَوْرِدِ» (نهج البلاغه، حکمت ۷۷).
«ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو، خود را به من عرضه می‌کنی؟ یا می‌خواهی مرا به شوق آوری؟ هرگز! آن زمان که تو در من نفوذ کنی، فرا نرسد. از من دور شو و دیگری را فریب ده، من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاقه کرده‌ام که رجوعی در آن نیست. زندگی ات کوتاه است و آرزویت حقیر است. آه، از اندک‌بودن توشه و درازی راه و دوری سفر و سختی منزلگاه».

این سردار محبوب و محبوب با این مردم چه کرده بود که این چنین فاتح قلب‌ها شده بود، آیا به‌طور عادی و مرسوم یک شخصیت عالی‌رتبه نظامی می‌تواند عشق و علاقه‌ای تا این اندازه پرشور در بین توده‌های مختلف مردم، از هر طبقه و آیین، هر طرزفکر و گرایش، هر سن و سال و جنس، برانگیزد؟ پاسخ بدون لحظه‌ای درنگ «خیر» است. کدام جنبه از شخصیت شهید سرافراز ما، سردار سلیمانی، که اغلب همگی صمیمانه او را «حاج قاسم» خطاب می‌کردند، خالق این حماسه بود؟

جاذبه کاریزماتیک سردار سلیمانی در عشق و عرفان و بُعد عاشقانه و عارفانه نهفته در عمق وجود آن درّ یتیم سفر کرده است.